



2020 / 11 / 19

مصطفی عمرزی

## اجندای ملی



چندی قبل، برادر میزوف احمد شاه مسعود در یک پُست فیس بوکی از تجربه ی سیاسی کشور های حوزه ی بالکان، اروپای جنوب شرقی، در افغانستان، نوشته بود. نمونه ی او در این غرض، یوگوسلاویا بود که پس از مرگ دیکتاتور مقتدر آن، جنرال تیتو، در جنگ های داخلی درگیر و به چند کشور صربستان، بوسنیا و کرواسیا، تجزیه می شود.

چند سال قبل در یک برنامه ای که در هوتل سرینا(کابل سابق) برگزار شده بود، احمد ولی مسعود که در میان هم ولایتی هایش به نام سفیر صاحب، مشهور است، کتابی را معرفی کرد که به شیوه های معمول خودشان، ملی گرایی را تبارز می داد. این ماجرا، مرا به یاد داستانی می اندازد که تکرار آن را بی ربط نمی دانم. می گویند روزی چند تن از فعالان یک اقلیت قومی، نزد یکی از بزرگان پشتون می روند و به او از تشریک مساعی ملی می گویند؛ اما برخلاف انتظار آنان، با جواب منطقی ای رو به می شوند که تلقی ما و شما از ملی، فرق می کند. بلی، در جانب اکثریت-سوا از برداشت های عامی- عوامل تاریخی، اثرگذار، حرف آخر و اکثریتی که کشور ساخته اند، جزو مقوله ی ملی گرایی شمرده می شوند. این ملاحظه که کاملاً منطقی ست، اما در جانب بعضی مغرضان اقلیت ها، به گونه ای تحلیل می شود که با قرار دادن اکثریت در ردیف اقلیت، سعی می کنند موازی به پشتون ها سود ببرند. رسوایی این گرایش، زمانی بیشتر می شود

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

که همین ها حاضر نیستند با اقلیت های خوردتر از خودشان، به گونه ای کنار بیایند که سعی می کنند حقوق اکثریت را نادیده بگیرند.

در کتاب «آجندای ملی» احمد ولی مسعود، تلقی ستمی گری با وصف «دیموکراسی کثیف» سلطنت محمد ظاهر، جزو گندی ست که از طرف های ذلیل و حقیر می شناسیم. تبصره ی من پیرامون کتاب مبتذل «آجندای ملی»، افزون بر معرفی اغراضی ست که در آن ها کوچک نمایی اکثریت را به حساب مشارکت ملی می گذارند. در واقع در این «آجندای ملی»، خواسته هایی فرهنگ سازی شده اند که بار ها از سوی محور های شر و فساد به صراحت بیان شده اند که سیستم سیاسی کنونی که کاملاً غیر عادلانه است، به گونه ای حفظ شود که بی توجه بر واقعیت های بیش از 50 قوم و سی زبان آن، در هاله ی یک گروهک منسوب به یک اقلیت قومی بماند که فقط با انبوه حضور نظامی خارجی می توانند بر مردم افغانستان، تحمیل شوند.

کتاب مبتذل «آجندای ملی»، ارزش مطالعه را ندارد، اما می تواند آینه ی تمام نمای افرادی باشد که با فراموشی به اصطلاح مواضع ملی خویش، زود قضایای ملی را به مزایده می گذارند تا در نوع دیگر بازار سیاسی، حراج شوند.

باید افزود که طی یکی- دو سال اخیر، نزدیکان مسعود، به گونه ی علنی در خط ستمی گری افتاده اند. در طول مشارکت بی رویه و تحمیلی شان از زمان کرزی تا کنون، هرچند تا سقف هشتاد درصد، به منافع ملی خیانت کرده اند، اما چند طرفه سعی می کنند فرهنگ سازی کنند تا انحصارات خود بر سیستم سیاسی افغانستان را حفظ کنند. چند ماه قبل از پخش یک کلب صوتی اشمزاز آور زن عبداللطیف پدارم (فرشته حضرتی) که یک خواهرش، زن احمد ولی مسعود است و از این وصلت، دختر سفیر صاحب به عقد نکاح احمد مسعود، پسر احمد شاه مسعود در آمده، در همین حساب خانواده گی، گندی بیرون شد که در این جا نمی خواهم روی صحبت هایی تبصره کنم که چه گونه زن پدارم در حالی که او را هیچ می شمرد، از کیفیت مقاربت و آلت تناسلی اش تعریف می کند.

در طول حاکمیت کرزی، یکی از اتهامات همیشه گی بر وی، همکاری افغان های ملی گرا و ضد تنظیمی با او بود که زیادتر از سوی جمعیت و شورای نظار، مطرح می شدند. با همین موضع گیری، عرصه را آن قدر بر شخصیت ملی و مردمی، استاد محمد اسماعیل یون، تنگ کردند که استاد ناچار شد استعفا دهد؛ اما از همان زمان تا کنون با بدترین چهره های افغان ستیز و ستمی در تماس بودند/ استند تا در کار فشار های مضاعف و حفظ انحصارات، همدیگر را یاری رسانند. از اوایل حکومت کرزی تا کنون، افراد وابسته به جمعیت و شورای نظار، از جمله فرشته حضرتی، زن پدارم و خیاشنه ی احمد ولی مسعود، با وقیح ترین تحلیل ها، حتی به حد تجزیه، به

---

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

گونه ای مطامع جمعیت و شورای نظار در حکومت را برآورده می ساختند تا تکنوکراتان پشتون که زیاد آنان را نمی شناختند، تطمیع شوند و با شل کردن خزینه ی دولت و باز گذاشتن درب بیت المال، به گروهک هایی باج و خراج دهند که با کمترین ابراز نارضایتی، افغانستان را هیچ می شمارند.

در کتاب «آجندای ملی» یا به تعبیر من «آجندای ملی»، خط مشی به چشم می خورد که از یک عنوان کذایی به مسیری می رود که برادر میزوف مسعود با فراموشی موضع به ظاهر ملی گذشته اش، حالا بازاریابی می کند تا اگر طرف هایی بار دیگر با در آغوش گرفتن این روسپی های سیاسی، جبهاتی بگشایند که حاصل آن ها برای افغانستان، تکرار تجربیات سگ جنگی های داخلی ست.

انسان چه قدر می تواند پست باشد که برای چند روز زنده گی طفیلی، شبیه نزدیکان قهرمان به اصطلاح ملی، به هر تن فروشی ای رضایت دهد؟ در کتاب «آجندای ملی»، روسپی گری های سیاسی نیز درک می شوند.

(باتشکر ازوب سایت دعوت مدیا 24)

---

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ